



نوشته ی : اسماعیل فروغی



باز هم همان آتش است و همان کاسه

سه ماه زمان برداشت تا پرده ی دیگری از نمایش بازی بزرگ افغانستان معاصر ، توسط بارک اوباما رییس جمهور امریکا ، بروی سن آمد . بارک اوباما همان پرده یی را به نمایش گذاشت که ناظران مسایل افغانستان از قبل پیشبینی نموده بودند. به فرمان وی باز هم سربازان و جنگجویان بیشتر امریکایی و اروپایی وارد افغانستان میشوند تا تروریزم بین المللی را گویا از ریشه برکنند و حکومت افغانستان را گویا از فساد میرا گردانند. او پس از سه ماه رایزنی و مشوره که بیشتر به یک نمایش میماند ، بالاخره راه تشدید جنگ و راه به اصطلاح زور را در پیش گرفت - همان راهی را که جورج والتز بوش رییس جمهور پیشین امریکا ، خشمگنانه آغاز کرده بود . آنگونه که آمار های رسمی نشان میدهد ، شمار سربازان امریکایی در افغانستان ، هنگام آغاز کار آقای اوباما به 32000 نفر میرسید ؛ اما اکنون به 68000 سرباز میرسد که با اعزام سی هزار سرباز تازه نفس ، به تقریباً 100000 خواهد رسید . به این معنی که با اعزام سی هزار سرباز جدید ، 68000 سرباز ، تنها در زمان کار یکساله ی آقای اوباما وارد میدان جنگ شده اند . مطابق ستراتژی جدید امریکا ، اروپا بیان و سایر متحدین امریکا نیز باید تا حدود 10000 سرباز اضافی به افغانستان اعزام نمایند . هم اکنون بتعداد 40000 سرباز از 42 کشور جهان ، در افغانستان حضور داشته و امریکاییان را به نحوی در رسیدن به اهداف سود جویانه و توسعه طلبانه ی شان یاری میرسانند .

بارک اوباما همانند اسلاف خویش، همان " حفظ منافع حیاتی " و " تأمین امنیت ملی " امریکا را عمده ترین دلیل اتخاذ ستراتژی جدید و اعزام سربازان اضافی به افغانستان اعلام نموده است . او بصراحت اعلام نمود که : " این تصمیم را اتخاذ نمودم چون امنیت ما در افغانستان و پاکستان در مخاطره است . " رییس جمهور امریکا ، با اعزام سی هزار سرباز تازه نفس امریکایی ، ظاهراً آرزو دارد جنگ افغانستان را پیروزمندانه به پایان رسانده ، فساد را در آنکشور محو و نابود نماید ؛ اما اینکه آیا او با افزایش نیرو های نظامی به این دو مهم دست خواهد یافت ، شک و تردید وجود دارد . اعزام نیروهای بیشتر در افغانستان ، در حالی صورت میگیرد که باساز گزارشهای دقیق سازمانهای معتبر اطلاعاتی غرب ، وضعیت امنیتی درکشور وخیمتر از هر زمان دیگر بوده ، فساد اداری سر تا پای حکومت آقای کرزی را فرا گرفته است .

ناظران بین المللی به این باور اند که ، افزایش سربازان در افغانستان ، تنها وضعیت امنیتی را بهبود نخواهد بخشید ، بلکه همانند گذشته آنرا بدتر کرده ، حتی اوضاع امنیتی منطقه را نیز متشنجتر خواهد ساخت . از جانب دیگر ، تا زمانیکه ساختار حکومتی ، چگونگی مدیریت و شیوه ی دولتمداری در افغانستان از ریشه تغیر ننموده ، مصلحت اندیشی ، قوم گرایی ، تنظیم گرایی و محل پرستی همچنان در میان

دولتمداران وجود داشته باشد، هر نوع فشار از بیرون بی تأثیر بوده، نا امنی، فساد و بیکاره گی دولت همچنان در افغانستان ادامه خواهد یافت.

مردم به این عقیده هستند که، افزایش سربازان و سیل کمکهای بین المللی تا زمانی موثر نخواهد بود که، در افغانستان حکومتی دلسوز و مردمی بوجود نیامده، دست تکنوکراتان دلال و قاتلان و قاچاقبران مواد مخدر از دامان مردم مظلوم افغانستان کوتاه نگردیده باشد. ممکن است دهها هزار سرباز دیگر داخل کشور شده، کنفرانس لندن، کنفرانس کابل و کنفرانسهای چندین دیگر برای افغانستان دایر گردد؛ ولی اینهمه کوششها فقط زمانی ثمر بخش خواهد بود که حکومتی مسوول، دلسوز و مردمی در افغانستان وجود داشته باشد.

حکومت کنونی افغانستان که بی تردید باز هم باساس مصلحتهای گونه گون قومی، زبانی و تنظیمی بنا نهاده شده و تاهنور هیچگونه طرح مشخص و روشنی برای بهبود حکومتداری و بهبود وضع معیشتی مردم ندارد، هرگز قادر نخواهد بود تا به آنهمه شرطهای نمایشی آقای بارک اوباما و به آنهمه نیازهای مردم و جامعه ی جهانی پاسخ بگوید.

بسیار ساده لوحانه است بپذیریم که بارک اوباما رییس جمهور امریکا، درباره ی ناکارآمدی این حکومت از پیش نداند. او با در نظر داشت همین حقیقت که حکومت افغانستان بهیچوجه تا هژده ماه آینده قادر به دفاع مستقلانه نخواهد شد، آغاز مرحله ی خروج قطعات نظامی شانرا " در صورت مناسب بودن شرایط" پس از هژده ماه، تعیین کرده است. ایشان با طرح این سوژه ی تبلیغاتی در استراتژی جدید، بایک تیر دو فاخته را شکار میکنند. هم افکار عامه ی امریکا را خاموش نموده، از قبل برای مبارزات انتخاباتی آینده آماده گی میگیرند و هم در ادامه ی ناکارآمدی و بی کفایتی حکومت افغانستان، باز هم بهانه ی حضور گسترده ی نظامی شانرا بدست میآورند.

امریکاییان بخوبی میدانند که حکومت کنونی افغانستان هرگز توانایی آنرا ندارد که، تا هژده ماه آینده چنان شرایطی را بوجود آورد که نظامیان امریکایی بازگشت به کشور شانرا آغاز نمایند. امریکاییان اینرا نیز بخوبی میدانند که تقویت اردوی افغانستان آنگونه که قادر به دفاع مستقلانه از تمامیت ارضی کشور بوده و در برابر تهدیدهای طالبان مقاومت نماید؛ نه به این زودی و آسانی میسر است و نه آنان خود نیت آنرا دارند. به این لحاظ، طرح و تعیین تاریخی برای آغاز خروج قطعات نظامی در استراتژی جدید، فقط میتواند یک تاکتیک ماهرانه ی تبلیغاتی باشد و بس.

جهانیان آگاه اینرا میدانند که امریکاییان با در نظر داشت سیاستهای کلان منطقوی شان، به این زودی و آسانی افغانستان و منطقه ی ما را ترک نخواهند گفت. آنان به همراهی یاران انگلیسی شان تا آن زمانیکه به مانع بزرگ منطقوی برنخورده و به اهداف تجاوزکارانه ی شان دست نیافته باشند، در افغانستان و منطقه خواهند ماند.

همچنان آگاهان بین المللی بخوبی میدانند که با وجود هجوم تبلیغات علیه حکومت افغانستان و مترادف دانستن آن با فساد، امریکاییان و انگلیسان هرگز علاقمند ایجاد یک حکومت ملی و مسوول برای افغانستان نمیشوند. زیرا تنها در موجودیت یک حکومت فاسد و غیر ملی است که آنان میتوانند به تمام اهداف و نیات سودجویانه و استعمار گرانه ی شان در افغانستان و در منطقه دست بیابند.

هرگاه واقعیت چنین نمیبود، چرا آنان با استفاده از صلاحیت و قدرت اجرایی شان که بر هیچ فردی پوشیده نیست، مایه های اصلی فساد یعنی دزدان و قاچاقبران مواد مخدر و تکنوکراتان دلال را از اریکه ی قدرت دور نمینمایند؟ آنان چرا طی هشت سال گذشته حکومت افغانستان را وادار نمودند تا با استفاده از سیل کمکهای جهانی، بنیادهای محکم اقتصادی و فابریکه های بزرگ تولیدی بنا نماید؛ تا از یکسو اقتصاد کشور رشد مینمود و از جانب دیگر برای هزاران افغان شغل و کار مناسب ایجاد میگردد. بیاد داشته باشیم که تا هنوز هم نه در استراتژی جدید امریکا و نه در پلانهای پیش روی حکومت جدید افغانستان، تأسیس پروژه های بزرگ صنعتی و یا زراعتی طی سالهای آینده، در نظر گرفته شده است. (شاید به بهانه ی شعار قشنگ آزادی بیان، باز هم شاهد ایجاد 20 دستگاه جدید تلویزیون و 600 نشریه ی جدید چاپی دیگر و به بهانه ی آزادی ازدواج ها، شاهد اعمار 100 تا 200 عمارت مجلل دیگر برای عروسی ها باشیم؛ ولی یک فابریکه ی بزرگ تولیدی را بچشم نیبینیم).

بهر حال آنچه مسلم است اینست که جنگ و نا امنی در افغانستان به دوکان پر منفعتی - هم برای دلالان داخلی و هم برای سودجویان و توسعه طلبان خارجی، مبدل شده است. هیچیک از طرفین خواهان بسته

شدن این دوکان نیستند و هر کدام آرزو دارند با ادامه ی جنگ و ادامه ی فساد در دستگاه دولت ، این دوکان
بیرمنفعت را همواره باز نگهدارند .

اگر در متن حکومت جدید افغانستان است و یا استراتژی جدید امریکا ، تا هنوز آن نیت صادقانه برای
پایان نا امنی و جنگ در افغانستان و ریشه کردن فساد در دستگاه دولت ، خوانده نمیشود که مردم
بتوانند به آن دل بسته گی و باور پیدا کنند . برعکس مردم به این باور اند که تا زمانیکه در عمل ، بر ضد فساد
های کلان دولتی و بین المللی در افغانستان اقدام صورت نگرفته و تا آنگاهیکه صادقانه برای تأمین صلح و
ثبات در افغانستان و منطقه کوشش نشود ؛ امیدی برای پایان جنگ و پایان فساد گسترده در افغانستان وجود
نداشته ، باز هم " همان آتش خواهد بود و همان کاسه " .